

● ناصر عابدینی

تهیه کننده و سردبیر رادیو جوان

کتاب خانواده خوشبخت مجموعه‌ای از گفتارهای کارشناسی رادیویی است که توسط مهدیه نفی زاده در بیستین شماره نشریه علمی و تخصصی **مجله رادیو معرفی** شده است.

متن حاضر ارزیابی انتقادی شامل دو بخش کلی است:

- نقد و ارزیابی دیدگاه‌های معرفی کتاب در **مجله رادیو**

- نقد و ارزیابی خود کتاب در حدی که در این معرفی به آن اشاره شده است.

شرح نقدها

- متن نوشتاری برنامه‌ای رادیویی (نوشتاری صرف) یا متن مکتوب شده کارشناسی آن برنامه بسیار متفاوت است. مورد اول بیشتر کوتاه اما مفید به قواعد دستوری است و مورد دوم می‌تواند به دو شکل کوتاه یا بلند عرضه شود. درحالی‌که تابع قواعد مکالمات محاوره‌ای است. البته با گرایش تخصصی در محتوا.

توصیه این متن‌های صرفاً کارشناسانه با موضوع تخصصی خانواده به عنوان الگویی برای دست‌اندرکاران رادیویی، آن‌هم برای همه‌شکله‌ها، توصیه‌جایی نیست. برنامه زیر یک سایبان در بخش کارشناسی اتفاق تنظیم شده‌ای بود که رخ داد، آن‌هم از نوع خویش، آماده به عنوان یک الگو؛ بلکه به عنوان کاری مثال‌زدنی.

- ایراد دیگری که مانع الگوپذیری این کتاب برای برنامه‌سازان می‌باشد، نحوه اثبات موضوع در آن است. متأسفانه در فرهنگ گفتگویی ما معمولاً تمثیل به جای استدلال، را گرفته است. اشخاص، حتی متخصصان، به جای اینکه زحمت تدبیریدن درباره موضوعی را طی فرآیند دقیق و دشوار استدلال به خود هموار کنند، به مثال‌های معروف و مشهور تمسک



پندرفروش‌بخته

نگاهی انتقادی به معرفی مجموعه گفتارهای رادیویی از کتاب خانواده خوشبخت

می‌جویند و کاری را که باید با تلاش زیاد و تحقیق زمان‌بر، به پایان ببرند. بالذکر صرف وقت آن‌هم فقط با جستن مثالی به سرانجام می‌رسانند. در این معرفی، در مطلبی به نقل از کتاب آمده است: «هچ گلی بی عمار نیست...» و با این مثال معروف، ناگهان نتیجه‌گیری می‌شود؛ پس، آن رگه‌های نرم یا به اصطلاح رگ خواب شوهر را بیاید و...»

توصیه این متن‌های صرفاً کارشناسانه با موضوع تخصصی خانواده به عنوان الگوی برای دست‌اندرکاران رادیویی، آن‌هم برای همه شبکه‌ها، توصیه بجایی نیست. برنامه زیر یک سایبان در بخش کارشناسی اتفاق تنظیم شده‌ای بود که رخ داد، آن‌هم از نوع خوبش، امانه به عنوان یک الگو؛ بلکه به عنوان کاری مثال‌زدنی.

و باین تمثیل که پس اگر هینک سیاه را از چشم بردارید، نور خوبی‌ها و ارزش‌های مثبت آن‌ها (شوهر) چشمانتان را پوشش خواهد کرد؛ با مثال‌هایی اینچنین ساده که آن را جایگزین «کزاره» یا گزاره‌های منطقی» می‌کنیم و آنگاه خیلی ساده و راحت و سریع می‌گوییم: «پس باید چنین و چنان کنیم، نمی‌توانیم به حقیقت، راه پیدا کنیم و در حوزه عمل، چندان موفقیتی داشته باشیم.

این گونه ساده‌انگارانه به موضوعات پیچیده‌ای مانند: ماهیت انسان، «روابط انسانی» و «اسبب‌شناسی رفتارهای हजार و ناهنجار» پرداختن، سبب می‌شود که فهم ما از چنین موضوعاتی همواره سطحی بماند و «فرض‌فاله مثال‌هایی» وابسته باشد که البته با مثال‌های ساده دیگری که اثبات شده‌اند، رد شوند. - به نظر می‌آید کارشناسی بیشتر متخصص حوزه مسائل حقوق خانوادگی است که به واسطه طرف مشاور بودن، این تجربیات را برای خود اندوخته است، اما در اینجا او به عنوان مشاور حقوقی خانواده و کارشناس رفتاردرمانی معرفی شده است که هر یک تخصصی جداگانه‌اند.

اشکال در اینجا است که با فرض قبول اینکه کارشناس

علاوه بر تخصص در مسائل حقوقی و خانوادگی یا نوعی از روان‌درمانی نیز آشناست، اما در حد همین معرفی که در مجله آمده است، او لحن یک کارشناس رفتاردرمانی را ندارد. لحن کارشناسی رفتاردرمانی دارای مشخصه‌هایی است که توصیه‌های این کارشناس فاقد آن می‌باشند؛ پس آنکه کارشناسان رفتاردرمانی، بر این باورند که رفتارهای हजार و ناهنجار معلول «یادگیری» اند. به همین دلیل آنان برای تغییر رفتار بر تغییر جنبه‌های آشکار محیط و خصوصاً «منابع تقویت» تمرکز می‌کنند، بنابراین در دیدگاه رفتارگرایی بر امور عینی و آموختنی تأکید می‌شود.

دیگر آنکه رویکرد «رفتارگرایی» و به تبع آن «رفتاردرمانی» در تقابل با بسیاری از عقاید فرویده قرار دارد و در واقع نوعی در برابر عقاید او واکنشی بوده است. رفتارگرایان، عقاید فروپند را درباره «روان آدمی»، مبهم، پیچیده و غیرقابل آزمون یافتند. بنابراین اگر شخصی کارشناس رفتاردرمانی باشد نمی‌تواند به «اصول روان‌شناسی فروپند» در فرایند درمان پایبند باشد این درحالی است که در همین اشاره کوتاهی که به کتاب شده، آمده است: «وقتی شما پر از تنش و خشم و نفرت هستید، صحبت کردن شما را تخلیه می‌کند، یعنی هر مورد ننگه‌ای را بیرون می‌ریزید این تخلیه شدن باعث آرامش می‌شود و دیگر کینه‌توزانه برخورد نمی‌کنید!»

آیا به راستی خشم و کینه و نفرت به این سادگی از دل‌های انسان‌ها زوده می‌شود و دیگر کدورتی در جانشان نمی‌ماند؟ البته این همان آموزه روان‌کاری است که برای «تخلیه» و «بیرون‌ریزی» احساسات و عواطف، ارزش فوق‌العاده‌ای قائل است که این باور نمی‌تواند برای یک کارشناس رفتاردرمانی مقبول باشد؛ موضوعی که در رویکرد رفتارگراییه اساسی ندارد و به تبع آن در فرایندهای درمانی جایگاهی برای آن قائل نیستند.

نکته دیگر اینکه کارشناسی برنامه یا آنکه مشاور حقوقی و خانوادگی و رفتاردرمانگر معرفی شده است، معلوم نیست چرا معرف می‌گوید، «در این برنامه مسائل خانوادها در امر ازدواج و زندگی مشترک، مطرح و با دیدی کارشناسانه و جامعه‌شناسانه نقد و بررسی می‌شود و راه‌حل‌هایی به آن‌ها می‌گردد»؟! مسلم است که بین دیدگاه‌های جامعه‌شناسی یا دیدگاه‌های روان‌شناسی تفاوت‌هایی اصولی وجود دارد و کارشناس به‌عنوان متخصص دیدگاه دوم (روان‌شناسی) معرفی شده است.

شاید مهم‌ترین نکته انتقادی، این مطلب باشد که در پایان



معرفی کتاب، جمله‌ای همراه با غلو گفته شده که معمولاً در شان هیچ کتابی نیست؛ این جمله را بخوانید:

«کتاب خانواده خوشبخت در بردارنده تمام نکاتی است که با به کار بستن آنها راه‌های رسیدن به نفاهم، پیش‌روی هر خانواده‌ای گشوده می‌شود.»

فکر نمی‌کنم در دنیا به غیر از کتاب‌های بازاری‌پسند و نجات‌پیشه کتاب‌های دیگری چنین ادعایی داشته باشند. البته این کلام، ادعای معرفت کتاب است و نه کارشناس؛ جملاتی که معمولاً روی بعضی از کتاب‌های بازاری‌پسند می‌بینیم که: «با خواندن این کتاب زندگیتان دگرگون می‌شود... تغییر زندگی با معجزه‌های ۱۵ دقیقه‌ای...» «در طی چند روز شخص دیگری خواهید شدند...» «با خواندن این کتاب می‌توانید پولدار شوید...» یا «اسراری که زنان بدانند و مردان نه...»

درواقع این گونه به کتابی نگریستن، به نوهی کوچک شعرند همه کتاب‌های دیگری خواهد بود که آنان نیز با تلاش و پژوهش بسیار در همین موضوع نگاهت شده‌اند و فروتنانه اعلام می‌کنند که احتمالاً فقط بخشی از حقیقت را باز گفته‌اند، نه تمام آن را و نه برای همگان.

نتیجه‌گیری

این نگاه انتقادی فقط و فقط متوجه شکل معرفی برنامه رادیویی بود که به صورت کتاب عرضه شده است، به اضافه اینکه در جاهایی که گلچینی از کتاب آمده بود در حد همان گلچین‌ها به نقد آن نیز پرداخته شد.

نکته مهم این است که چنین برنامه کتابی فقط می‌تواند مثال‌زدنی باشد (می‌توان اشاره‌ای موردی به آن داشت) آنه اینکه به صورت الگو در آید قابلیت تعمیم را ندارد؛ زیرا فاقد انسجام منطقی است که باید در چنین مباحث دقیقی به آن پایبند بود.

پیشنهاد علمی

در اینجا نمونه‌ای عینی از اثری، هم مثال‌زدنی و قابل توجیه به عنوان الگویی برای برنامه‌سازان درباره چنین موضوعاتی را معرفی می‌کنم. این نمونه، مجموعه گفتارهای رادیویی است درباره خودشناسی علمی و ارائه راه‌حل‌های عملی برای حل مضامین زندگی که به صورت کتاب نیز منتشر شده است. این مجموعه گفتارهای رادیویی در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ از رادیو ایران پخش شده است. در این برنامه صرفاً کارشناسانه، دکتر ناصرالدین

صاحب‌الزمانی به‌عنوان کارشناس رادیویی شرکت داشته و درباره موضوعاتی که دکترشان رفت سخن گفته است. این مجموعه برنامه‌های رادیویی بعدها به صورت چندین جلد کتاب منتشر شده‌اند که عنوان در جلد از آنها عبارتند از:

- روح پشور، شامل ۲۶ گفتار رادیویی
- دل‌گوشه‌ها، شامل ۳۵ گفتار رادیویی
- در مقدمه کتاب روح پشور به نقل از شماره ۲۲ مجله رادیو ایران شماره ۲۲ سال ۱۳۳۹، آمده است:
- «کتاب روح پشور نمونه کامل این بحث‌های علمی است که با زیبایی ساده اجرامی شود.»
- این دو کتاب با اینکه متعلق به حدود بیش از چهار دهه قبل هستند، اما کاملاً مشخصات یک برنامه رادیویی کارشناسانه را دارا می‌باشند؛ بسیار موجزند و بر منطق علمی موضوع خود تکیه دارند.
- درواقع متن مکتوب شده‌ای که کارشناس‌ها کاملاً تخصصی‌اند که با زبان رادیویی ساده‌ای بیان شده‌اند. هر برنامه با جمله کوتاه ایسی که به موضوع برنامه مربوط است شروع می‌شود که این امر آغاز جالبی برای یک برنامه رادیویی است.
- نکته جالب‌تر آنکه ادبیات بیانی استفاده شده در این متن‌ها (برنامه‌ها) بسیار روان و به روز می‌باشند که به واسطه این جذابیت، شیرینی درک موضوع را دوچندان کرده‌اند.

